

هزینه در مالیه عمومی اسلامی

بخش دوم

دکتر بیژن بیدآباد

عدم جواز هزینه‌های دستمزد در انذار، ارشاد، هدایت و تبلیغ ...

انذار، ارشاد، هدایت و تبلیغ هرکدام در اسلام ماموریت‌های خاصی هستند که به افراد خاصی از جانب صاحب امر تفویض می‌شوند و افراد غیرمجاز و غیرمأذون حق ندارند به این فعالیت‌ها بپردازند.

انذار از رسالت نبی سرچشمه می‌گیرد که خطاب به رسول اکرم می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^(۳۱) و «قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»^(۳۲). حدود ۱۲ آیه در این موضوع موجود است که رسول اکرم(ص) می‌فرماید: من از بابت رسالتم مزدی از شما نمی‌گیرم و مزد من نزد خداست. و قرآن کریم می‌فرماید: «فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ أَمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^(۳۳). از این آیه می‌توان تفسیر کرد که حتی به حضرت امر شده که همانند سایر مسلمانان وجوه شرعی را بپردازد. در آیه دیگری به پیامبر(ص) خطاب می‌شود که: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِزْقًا سَيَبِيلاً»^(۳۴) و به کرات فرمود: «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»^(۳۵). در آیه دیگر می‌فرماید: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^(۳۶). در آیه دیگری می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدْيِهِمْ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْعَالَمِينَ»^(۳۷). در جای دیگر می‌فرماید: «يَا قَوْمِ لَأَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^(۳۸). باز می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^(۳۹). در آیه دیگری می‌فرماید: «يَا قَوْمِ لَأَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ»^(۴۰).

از آیات فوق واضح است که دریافت دستمزد برای انذار و ارشاد و هدایت مشروع نیست. این موضوع در مورد سایر پیامبران نیز صادق است و مختص به رسول اکرم(ص) نیست. خطاب به حضرت یوسف(ع) می‌فرماید: «وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»^(۴۱). در جای دیگر تبعیت را مختص کسانی می‌فرماید که درخواست مزد نمی‌نمایند: «اتَّبِعُوا مَنْ لَأَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ»^(۴۲) به عبارت دیگر، تنها کسانی که به هیچوجه درخواست مزدی نمی‌کنند، شایسته تبعیت و فرمانبرداری می‌باشند.

در تاریخ حکومت علی(ع) می‌خوانیم که حضرتش در دوران حکومت با این که تمام دارایی بیت‌المال در اختیار حضرتش بود، ولی حتی کفش نو از آن استحصال نفرمود و بر گیوه پاره خود پینه زد و

از بیت‌المال استفاده نکرد.

هادی نیز که وظیفه ارشاد و هدایت را به عهده دارد، مشمول این قاعده است. وقتی رسول اکرم(ص) در قبال رسالت خود مزد دریافت نفرماید، هادی و ولی نیز بر این رویه می‌باشند. وظیفه هادی که در قرآن با عنوان "هاد" یا "ولی" یا "مرشد" از آن نام برده شده، ارشاد و هدایت است. در قرآن کریم آمده است که: «مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يَضِلُّ فَلَنْ يُجَدَّ لَهُ وَ لَيْسَ مُرْشِدًا»^(۴۳). مقام ولایت و ارشاد نیز شایسته دریافت مزد نیست. همانطور که درباره حضرت خضر(ع) و حضرت موسی(ع) در سوره کهف می‌بینیم که ارشاد و تربیت حضرت موسی(ع) توسط حضرت خضر(ع) بدون هیچ مزدی صورت می‌گیرد.

تبلیغ دین، وظیفه آل محمد(ص) است و فقیه براساس تعریف منیة‌المریدین شهید ثانی کسی است که نور خدا را در جمیع اشیا ببیند و مصداق «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَهُ اللَّهُ»^(۴۴) قرار گیرد. و در تعریف فقیه می‌فرمایند: فقیه کسی است که در مقام محدثی قرار گرفته باشد، یعنی ملک را در خواب ببیند و صدای او را در بیداری بشنود^(۴۵). در این مقام حق گفتن حدیث دارد^(۴۶). شأن فقیه و محدث نیز متعالی‌تر از آن است که اجر مادی بگیرد.

با این تفاسیر باید گفت که مدخلی برای احتساب هزینه در مسایلی مانند انذار و ارشاد و هدایت و تبلیغ برای انبیا و اوصیای الهی و صاحبان امر و اجازه متصور نیست و مزد این گروه نزد خداست و انجام این وظایف بر نیت قربت الی‌الله است و این شخصیت‌ها، خالصی یا مخلصی یا مخلصی خود را به دریافت دستمزد مخدوش نمی‌فرمایند، بلکه مزد ایشان هر دو عالم است که به آن هم وقعی نگذارند و از دوست جز دوست نخواهند و بر دو عالم پشت پا زنند. در شرح نهج‌البلاغه نیز مسطور است که جوازی برای صرف اموال بیت‌المال جهت اجرت امام منظور نشده است^(۴۷).

این دو گروه خود دستمزد دریافت نمی‌کنند، ولی حق دارند که مبالغی را در بابت تألیف قلوب برای ایجاد محبت و نزدیک کردن دیگران به دین از محل درآمدهای خزانه بپردازند^(۴۸). این اختیار و تخصیص

فقها در تقسیم خمس دو گروه را در نظر می‌گیرند: سهمی برای خدا و سهمی برای رسول و سهمی برای امام که این سه سهم در این اعصار متعلق به حضرت صاحب‌الامر می‌باشد و سه سهم دیگر از آن ایتم و راه‌ماندگان و مساکین از سادات است. در تعریف سادات، فقها توریه به خرج داده‌اند و کسانی را که از طرف پدر پشت‌به‌پشت به حضرت عبدالمطلب منتهی می‌شوند، سادات خوانده‌اند و کسانی را که مادرشان سیده است، از سادات نمی‌دانند. این تعریف کمی اشکال دارد، زیرا اگر سادات جسمانی مطرح است، باید پشت‌به‌پشت به حضرت رسول اکرم (ص) منتهی شود و اگر این باشد که باید باشد، پس تمام سادات صوری و جسمانی همه به فاطمه زهرا (ع) می‌رسند. بنابراین، باتعریف فقها مبنی بر این که اگر مادر کسی سیده باشد، سید نیست، پس هیچکس با این تعریف سادات نمی‌یابد. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که هم تعریف "سیادت" به این شکل اشکال دارد، هم تأویل و تفسیر "ذی‌القربی" در آیه خمس مراد فرزندان جسمانی حضرت نیست.



© در اسلام، ثروت ممنوع نیست، ولی فقر ممنوع است.

برخی گمان کرده‌اند که خمس را خداوند برای پیامبر (ص) و ذریه آن حضرت قرار داده تا محتاج زکات نشوند. این گمانه‌زنی هم اشتباه است و در هیچ جایی این کلمات تصریح نشده و بلکه به عکس آن مشاهده می‌شود. تعلق خمس به رسول (ص) برای مصرف خود رسول نیست، همانطور که پرداخت مالیات به اداره مالیات نیز برای هزینه خود اداره مالیات نیست. به عبارت دیگر، رسول وظیفه جمع‌آوری درآمد و هزینه‌کردن آن را برای مصالح

بر اساس آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ» (۴۹) تجویز شده است. باید به این موضوع نیز متذکر شد که موضوع آیه ۴۰ سوره انفال که می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (۵۰) منظور از تخصیص درآمد به رسول (ص) نه برای هزینه شخصی حضرت رسالت‌مآب (ص) است، بلکه در اختیار حضرتش برای امور جامعه است تا به آن نحو که صلاح دانند، هزینه فرمایند (۵۱).

عدم جواز شارع مقدس (ص) به تخصیص هزینه به سادات

بر اساس آیه اخیر الذکر (۵۲) برخی گمان کرده‌اند که خمس تعلق به اولاد جسمانی و نوادگان رسول اکرم (ص) دارد. این تعبیر بی‌انصافی است. اگر قرار بود که خمس به سادات تعلق گیرد، بسیاری از موازین دینی دچار اشکال می‌گردید و در زمان رسول (ص) دیده نشد که حضرت فاطمه از این محل درآمدی دریافت نماید یا به حسنین (ع) وجهی از این باب تعلق گیرد. اگر قرار بر سیادت بود، این بزرگواران اول‌السادات بودند. پس مفهوم "ذی‌القربی" نه قرابت جسمانی به حضرت ختمی مرتبت (ص) است، بلکه مفهوم آن تخصیص به ائمه هدی است از برای امور جامعه و این تخصیص همانند تخصیص هزینه رسول (ص) است از برای اجرای سیاست‌های مدنظر مبارکش. برای تأیید این موضوع، به این روایت اشاره می‌نماییم که منقول است: امام موسی کاظم (ع) در زمین خود کار می‌کردند و پاهای حضرت عرق کرده بود. راوی عرض کرد: فدایت گردم، کارگرانی که به جای شما بایست کار کنند، کجایند؟ فرمود: افراد بهتر از من و پدرم با دست در زمین خود کار کرده‌اند. عرض کردم: چه کسی؟ فرمود: رسول خدا (ص) و امیرمومنان (ع) و پدرانم همگی با دست خود کار کرده‌اند و این از کارهای انبیا و رسولان و اوصیای ایشان و شایستگان است (۵۳). یعنی تمام این بزرگواران کار می‌کردند و اگر قرار بود از خمس برای خود بهره می‌بردند، با توجه به این که خمس از لحاظ اقتصادی ۲۰ درصد ارزش افزوده یا تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد، بنابراین، می‌توانستند بدون هیچ رنج و مشقت ظاهری ناشی از کار، معاش نمایند و فارغ از کارکردن باشند (۵۴).

جامعه دارد، نه این که درآمد را به نفع خود جمع‌آوری نماید. به صراحت در قرآن کریم می‌فرماید: «فَمَا سَأَلْتَكُمْ مِنْ أَجْرٍ أَنْ أَتَّخِذَ مِنْكُمْ مَخْرَجًا» (۵۵). از این آیه حتی می‌توان تفسیر کرد که به حضرت امر شده است که همانند سایر مسلمانان وجوه شرعی انواع زکات را بپردازد. از آیات دیگر قرآن مجید نیز واضح است که دریافت خمس موضوع آیه ۴۱ سوره انفال برای شخص حضرت نیست، بلکه تامین منابع مالی برای مصالح جامعه است (۵۶).

روایت: «خُمُسُ اللَّهِ لِلإمام و خُمُسُ الرسول للإمام» (۵۷) و همچنین: «فالذی لله فلرسول الله فالرسول احق به فهو له خاصة و الذی للرسول هو لذی القربی و لجة فی زمانه» (۵۸) نیز معطوف به این امر است. شاهد این تحلیل، رفتار امیرالمومنین علی (ع) است که علیرغم این که ریاست حکومت را هم داشت، فقط ۱۷ من جو از بیت‌المال به امانت برداشت کرد و دلایل آن را هم ذکر کرده‌اند که حضرت به علت کثرت اشتغال، فرصت تهیه قوت حداقل برای خود نداشتند و لذا برای این که امور مسلمانان معطل نباشد، مقدار ۱۷ من جو را به امانت برداشت کردند و سپس در زمان مقتضی به جای خود برگرداندند.

مذاکرات این حضرت با برادر نابینایش عقیل و گذاشتن آتش بر کف دست او در پاسخ به درخواست اضافه‌کردن مستمری وی نیز حاکی از این امر است که نه تنها اموال بیت‌المال برای رسول (ص) و جانشین او نیست، بلکه برای ذی‌القربای ظاهری رسول (ص) و جانشین او (ع) هم نیست، زیرا اگر بود، بایست حضرت امیر (ع) عقیل را به افزایش مستمری می‌نواخت و نه به آتش سوزان بر کف دست. داستان دیگری نیز در این باب ذکر شده که عقیل به علت سختی زندگی در هر هفته، مقدار هفت نان جو از بیت‌المال مستمری دریافت می‌کرد. او از خانواده‌اش خواست تا یک نان جو ظرف یک هفته پس‌انداز نمایند تا علی (ع) را به منزل خود دعوت کند تا آن حضرت سختی معیشت آنها را ببیند، بلکه ترحم فرماید و مستمری عقیل و خانواده‌اش را از بیت‌المال بیشتر فرماید. روز آخر هفته که علی (ع) به دیدار عقیل تشریف بردند، سوال فرمودند: تو که برای هر روز یک نان جو دریافت می‌داری، چرا امروز بر سر سفره دو قرص نان داری؟ عرض کرد: برای تشریف‌فرمایی شما در هفته گذشته در خوراکی صرفه‌جویی کرده‌ایم تا شما را به یک قرص

نان مهمان کنیم. حضرتش فرمود: حال که در هفت روز با شش قرص نان می‌توانید سرکنید، منبعد یک قرص نان از سهمیه مستمری هفتگی شما کسر خواهد شد.

اگر قرار بود منظور از «لِذِي الْقُرْبَى» در آیه ۴۱ سوره انفال خویشان پیامبر (ص) باشند، پس وقایع فوق را چگونه می‌توان تفسیر نمود، چون عقیل نیز به نحوی از خویشان تلقی می‌شد؟ از طرفی، آیه شریفه: «قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۵۹) نیز نه به این معنی است که به اقربای من که در مالکیت من است، دوستی کنید، بلکه به اقربای من، یعنی به علی (ع) که مامور فرمان خداست و از طرف من که مامور خدا هستم ماموریت یافته است، دوستی نمایید، یعنی اطاعت امر خدا نمایید، نه امر من به مفهوم مستقل، یعنی امر من را که فرمان خداست، تبعیت کنید (۶۰).

روایاتی نیز حکایت از همین موضوع دارند که معنی «لِذِي الْقُرْبَى» فقط جانشینان و خلفای آن حضرت هستند (۶۱).

از لحاظ اقتصادی نیز این موضوع بسیار بعید است که سهم زیادی از کل ارزش افزوده اقتصاد به یک گروه که فقط به نحوی در ارتباط خانوادگی با فردی - حتی با حضرت رسول اکرم (ص) - قرار می‌گیرند، تخصیص داده شود. اگر تعبیر غنیمت را به مفهوم اقتصادی ارزش افزوده نزدیک نماییم که این قابلیت تطبیق نیز وجود دارد، یعنی پس از کسر هزینه تولید، مابقی درآمد را مشمول خمس حساب کنیم، در حقیقت، مشخصاً کل درآمد مشمول خمس در اقتصاد را به مفهوم کل ارزش افزوده در اقتصاد تعریف کرده‌ایم، و کل ارزش افزوده در اقتصاد به معنی تولید ناخالص ملی یک کشور است، و چون استهلاک سرمایه قبل از محاسبه خمس قابل احتساب در حسابداری درآمد مشمول خمس است، پس خمس به معنی ۲۰ درصد تولید یا درآمد خالص ملی کشور می‌باشد (۶۲). بدین ترتیب، پرداخت نصف این سهم (یعنی ۱۰ درصد تولید خالص ملی کشور) به خویشان رسول اکرم (ص) آنقدر زیاد خواهد بود که به هیچوجه قابل توجیه نمی‌باشد. لذا از این باب نیز می‌توان دریافت که «لِذِي الْقُرْبَى» در آیه خمس به مفهوم جانشینان آن حضرت است که از آل رسول (ص) بودند و اقارب آن حضرت هم بودند و این تخصیص دارایی به همان وجه است که برای خود رسول (ص) بوده،

یعنی آن بزرگواران نیز از این اموال جهت انجام وظیفه دینی خود حق برداشت داشتند و برای خود حق برداشت نداشتند، همانطور که در داستان‌های حضرت امیر (ع) به وضوح ذکر شد.

اگر اقربای رسول (ص) آنان باشند که نسبت خانوادگی با رسول اکرم (ص) دارند، پس باید گفت که تمام امویان هم عموزاده‌های حضرت بودند، چه هاشم و امیه (۶۳) هر دو پیامبرزاده بودند و رسول اکرم (ص) برادرزاده ابوطالب پیامبر و او فرزند عبدالمطلب پیامبر و او فرزند هاشم پیامبر و او فرزند مناف پیامبر بود، یعنی بنی‌هاشم همگی با بنی‌امیه عموزاده بودند و امویان اقربای رسول (ص) هستند. پس خمس به خلفای جور (۶۴) هم بایست تعلق می‌گرفت. در تدقیق این موضوع می‌توان به جعفر کذاب نیز اشاره کرد که از پشت پیامبر اکرم (ص) و از سادات بود. آیا مسلمانان بایست کسب درآمد می‌کردند و به جعفر کذاب‌ها خمس می‌پرداختند؟ مسلم است که به هیچوجه عقل بر این روال صحه نمی‌گذارد، بلکه صریح قرآن کریم اینگونه سربرابری و کُلُّ بَرِّ جَمَاعَةٍ بَدَنَهُ تَحْرِيْمٌ می‌فرماید که: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (۶۵). و رسول اکرم (ص) و اقربای آن حضرت نیز انسان و بشری هستند مثل دیگران با این تفاوت که درجات نزول وحی به آن بزرگواران متعالی است که فرمود: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ...» (۶۶).

مسئولیت دولت اسلام در تامین اجتماعی
منحصر به مسلمانان نمی‌باشد، بلکه افراد ذمی که تحت حمایت دولت اسلام هستند نیز باید از این حمایت و تامین اجتماعی برخوردار باشند.

تقریر هزینه‌های تامین اجتماعی

تامین اجتماعی از مباحث مهم هزینه‌ای در اسلام است. در مورد این بخش از هزینه‌ها قبلاً بحث شده است (۶۷) و از باب اهمیت، آنها را ذیلاً فقط نام می‌بریم:

- ۱- نیاز مالی (بیمه مالی).
- ۲- نیاز به سرپناه و مسکن (بیمه مسکن).
- ۳- نیاز به ازدواج و جفت و معاشر (بیمه ازدواج).
- ۴- نیاز به کار و شغل (بیمه شغل).
- ۵- نیاز به تعلیم و تربیت، آموزش، مشاوره، راهنمایی (بیمه آموزش).

- ۶- نیاز به بهداشت و درمان (بیمه درمان).
- ۷- نیاز به پرستاری و مراقبت (بیمه پرستاری).
- ۸- نیاز به امداد در زمان اضطرار و مواجهه با خطر (بیمه سوانح).
- ۹- نیاز به طعام و خوراک (بیمه خوراک).
- ۱۰- نیاز به اعتراض و فریاد (هرگاه مظلوم واقع شود) و دفاع در مقابل متجاوز (بیمه دفاع).
- ۱۱- نیاز به استعانت در احقاق حق (بیمه وکالت).
- ۱۲- نیاز صغیر به ولی (بیمه ایتمام).
- ۱۳- نیاز به مستمری بازنشستگی و ازکارافتادگی (بیمه بازنشستگی و بیمه ازکارافتادگی).
- ۱۴- نیاز به سرپرستی افراد لازم‌الحامیه (بیمه سرپرستی).

- ۱۵- نیاز به کارگشایی و گره‌گشایی (بیمه کارگشایی).
- ۱۶- نیاز به ادای رسوم و سنن پسندیده (بیمه فرهنگی).

۱۷- نیاز به پوشاک و البسه (بیمه پوشاک).
 تامین هرکدام از موارد نیازهای مزبور، سرفصل‌های فعالیت‌های حمایتی را در اجرا و اداره امور کشور ایجاد می‌کند و غالب آنها را می‌توان در بحث تامین اجتماعی به معنای اعم کلمه گنجانند. میزان هزینه‌های تأمین در موارد فوق بسته به شرایط فرد موردحمایت و استانداردهای زندگی در همان ناحیه و برای افراد مشابه است و عرف نقش مهمی در تعیین سطح تامین ضروری دارد. به هر حال، موارد بسیاری در ریز هزینه‌های تامین اجتماعی مطرح است که می‌توان به بحث مبسوط آن رجوع نمود (۶۸).

مسئولیت دولت اسلام در تامین اجتماعی منحصر به مسلمانان نمی‌باشد و افراد ذمی که تحت حمایت دولت اسلام هستند نیز باید از این حمایت و تامین اجتماعی برخوردار باشند. شیخ حرّ عاملی با استناد به حدیث مروی از حضرت امیر المؤمنین (ع) در مورد پیرمرد نصرانی که در پیروی تکدی می‌نمود و فرمایش آن حضرت که «تا جوان بود، از او کار کشیدید و حال که پیر شده است، او را رها کرده‌اید، پس مخارج او را از بیت‌المال بپردازید» اظهار می‌دارد که اهل ذمه نیز باید از تامین اجتماعی دولت اسلام برخوردار باشند (۶۹).

در روایتی از حضرت صادق (ع) است که فرمود: زکات را حاکم می‌گیرد و در مواردی که خدا تعیین

است که (از باب استحباب مؤکد) اقدام به توزیع بخش‌هایی از دارایی خود بین ایشان نمایند. به عبارت دیگر، در اسلام فقر در جامعه ممنوع است و داشتن ثروت ممنوع نیست، ولی تا جایی که فقر در جامعه وجود دارد، نگهداری ثروت مذموم و ناپسند است. اگر فقر در جامعه از بین برود، سیاست توزیع مجدد ثروت در قرآن و احکام و اخبار قوت و جوب ندارد، زیرا در اسلام مالکیت محترم شمرده شده و بدون رضایت مالک حق تصرف در مال غیر جواز عمومی ندارد.

باید به این موضوع نیز اشاره نمود که اگر زکات اخذ شده کفایت رفع فقر جامعه را ننمود، دولت اسلام می‌تواند از محل سایر درآمدها و اموال بیت‌المال رفع فقر نموده و سیاست فقرزدایی را تأمین نماید. در حدیث مروی از موسی بن جعفر (ع) همین موضوع تصریح شده است (۷۲).

ادامه دارد

زیر نویس‌ها

(۳۱) سوره رعد / آیه ۷: تو بیم‌دهنده هستی و برای هر قومی هادی‌ای هست.

(۳۲) سوره ص / آیه ۶۵: بگو نیست جز این که من بیم‌دهنده‌ای هستم و هیچ خدایی جز خدای یکتای قهار نیست.

(۳۳) سوره یونس / آیه ۷۲: من از شما هیچ پاداشی نخواست‌ام که پاداش من با خداست و امر شده است که از مسلمانان باشم.

(۳۴) سوره فرقان / آیه ۵۷: بگو من از شما هیچ مزدی درخواست نمی‌کنم و این رسالت بدان می‌گزارم که هر که خواهد به سوی پروردگارش راهی یابد.

(۳۵) آیات ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰، سوره شعرا، این فرمایش را تکرار می‌نمایند. قسمت اول این آیه در آیه ۸۶ سوره ص نیز نازل شده است.

(۳۶) سوره سبا / آیه ۴۷: [ای پیامبر] بگو هر مزدی که از شما طلبیده‌ام، از آن خودتان باد. مزد من تنها برعهده خداست.

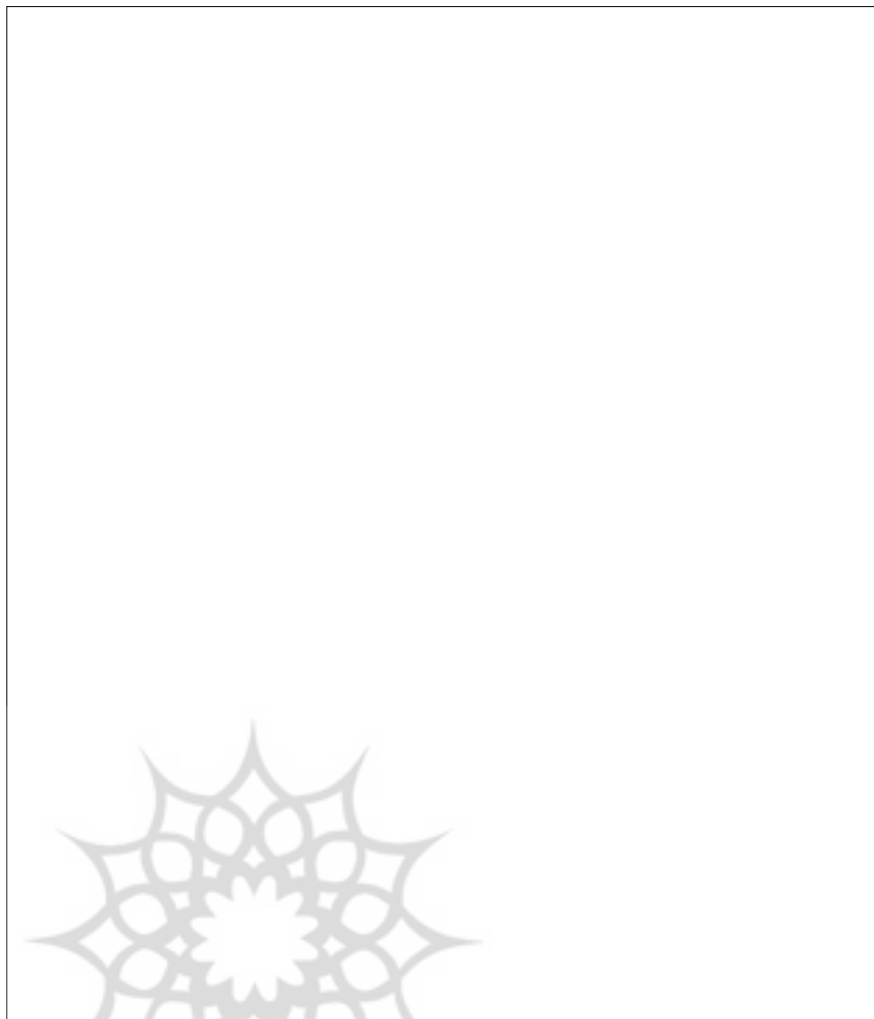
(۳۷) سوره انعام / آیه ۹۰: اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است. پس به روش ایشان اقتدا کن. بگو در برابر آن هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم و این جز اندرزی برای مردم جهان نیست.

(۳۸) سوره هود / آیه ۵۱: این قوم، از شما مزد نمی‌طلبم. مزد من تنها با آن کسی است که مرا آفریده، آیا تعقل نمی‌کنید؟

(۳۹) سوره شوری / آیه ۲۳: بگو [برای این رسالت] از شما مزد نمی‌خواهم، جز دوستی با خویشاوندان.

(۴۰) سوره هود / آیه ۲۹: این قوم، از شما [به‌خاطر هدایت شما] مالی نمی‌خواهم و مزد من تنها با خداست.

(۴۱) سوره یوسف / آیه ۱۰۴: و تو در [مقابل



② اصولاً سیاست‌های توزیع مجدد، محدود به موارد تأمین اجتماعی است.

گروه‌های درآمدی بالاتر اخذ و به گروه‌های درآمدی پایین‌تر منتقل شود. در قرآن کریم اشارات زیادی در باب این موضوع آمده است که رعایت حال و وضعیت مالی مستمندان و نیازمندان توسط اغنیا بسیار مدوح است، ولی در این باب امر تشریح نشده است و میزان امر تشریح شده پرداخت زکات است. به هر حال، همانطور که به تفصیل اشاره شد (۷۱)، نرخ زکات که چند درصد باشد، از موارد تحت نظر اولی‌الامر است و این نرخ به نظر حضرتش با توجه به شرایط اقتصادی تعیین می‌شود. لذا اصولاً سیاست‌های توزیع مجدد محدود به موارد تأمین اجتماعی است و علی‌السابقه فشار شدید بر این موضوع از لحاظ امر حکومتی ملاحظه نشده، ولی تأکید خداوند در جای‌جای قرآن کریم بر این است که حقوق محرومان در اموال اغنیا است و اغنیا چقدر خوب است و لازم

فرموده، بر هشت سهم قرار می‌دهد برای فقرا، مسکینان، عاملان بر آن، دلجویی‌شدگان، بردگان، ورشکستگان، در راه خدا و راه‌ماندگان، هشت سهم است که در بین آنان در مواردشان، به آن مقدار که در آن سال بدون فشار و سختگیری مستغنی شوند، تقسیم شود. پس اگر از این موارد چیزی اضافه آمد، به حاکم بازگردانده می‌شود و اگر کم آمد و در حد استغنا به وسیله زکات تأمین نشدند، برعهده والی است که از نزد خویش به اندازه گشایش آنان به ایشان بدهد تا بی‌نیاز گردند (۷۰).

محدودیت سیاست‌های توزیع مجدد به موارد تأمین

یکی از مواردی که در مدنظر فلاسفه اقتصادی است، موضوع توزیع مجدد ثروت است، یعنی مالیات از

ثابت را از تولید یا درآمد ناخالص ملی کسر کنیم، تولید یا درآمد خالص ملی به دست می آید.
 (۶۳) البته براساس احادیث و اخبار وارده، اگر نطفه و رحم و لقمه پاک باشد، فطرت فرد - الآ و لاید - به سمت اولیاءاللهی گرایش خواهد داشت و علت دشمنی با اولیاءاللهی، نقص در یکی از این سه مورد است.
 (۶۴) در بیان دشمنی بنی امیه با اسلام نگاه کنید به: حضرت حاج سلطانحسن تائبده رضاعلیشاه ثانی / تجلی حقیقت در اسرار فاجعه کربلا / چاپ چهارم / انتشارات حقیقت / فصل ۱۰-۸.
 (۶۵) سوره نجم / آیه ۳۹: برای انسان جز سعی [و کار او] حقی نیست.
 (۶۶) سوره کهف / آیه ۱۱۰: من هم بشری هستم مثل شما که به من وحی می رسد.
 (۶۷) بیدآباد، بیژن: هر سینی، عبدالرضا / ۱۳۸۱ / تحلیل فقهی - اقتصادی انواع بیمه.
 (۶۸) همچنین نگاه کنید به صدر، محمدباقر / ۱۳۴۹ / اقتصادنا، یا بررسی هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام / ترجمه ع اسهیدی / جلد دوم / موسسه انتشارات اسلامی / انتشارات برهان / تهران / صفحات ۳۱۳-۳۰۵.
 (۶۹) وسائل الشیعه / ۱۵، ۶۶، ۱۹ / باب آن نفقه النصر انی إذا کبر... ۱۹۹۹۶.
 (۷۰) وسائل الشیعه / ۹، ۲۶۶، ۲۸ / باب عدم وجوب استیعاب المستحقین، ۱۱۹۸۹.
 (۷۱) بیدآباد و هر سینی / ۱۳۸۱ / نرخ و پایه مالیاتی در مالیه اسلامی.
 (۷۲) صدر، محمدباقر / ۱۳۴۹ / اقتصادنا / صفحات ۳۲۴-۳۲۳.

اسلامی بحث شده است.
 (۵۵) سوره یونس / آیه ۷۲: من از شما هیچ پاداشی نخواسته ام که پاداش من با خداست و امر شده است که از مسلمانان باشم.
 (۵۶) به ردیف های ۳۴ تا ۴۲ رجوع شود.
 (۵۷) حسینعلی منتظری / کتاب الخمس و الانفال / انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / صفحه ۳۵۶ / حدیث ۲ و ۶ و ۸.
 (۵۸) وسائل الشیعه / جلد ۶ / صفحه ۳۵۹ / حدیث ۹ / شیخ محمدبن حسن حر عاملی / تحقیق ربانی شیرازی / کتابفروشی اسلامیة / چاپ ششم.
 (۵۹) سوره شوری / آیه ۲۳: بگو [برای رسالت] از شما مزد نمی خواهیم، جز دوستی با خویشاوندان.
 (۶۰) مولوی [علیه الرحمه] در متنوی می فرماید: هست اشارات محمّد(ص) المراد کل گشاد اندر گشاد اندر گشاد صدهزاران آفرین بر جان او بر قدوم و دور فرزندان او آن خلیفه زادگان مقلش زاده اند از عنصر جان و دلش گر ز بغداد و هری یا از ری اند بی مزاج آب و گل، نسل وی اند شاخ گل هرجا که می روید، گل است خُم مُل هرجا که می جوشد، مُل است گر ز مغرب برزند خورشید سر عین خورشید است نی چیز دگر (۶۱) بحارالانوار / جلد ۴۵ / صفحه ۱۲۹ و جلد ۴۵ / صفحه ۱۶۶.
 (۶۲) در سیستم حسابداری ملی (System of National Account - SNA) اگر استهلاك سرمایه

پيامبری[ات] از آنها مزدی نمی طلبی و این جز تذکری برای جهانیان نیست.
 (۴۲) سوره یس / آیه ۲۱: از کسانی که از شما هیچ مزدی نمی طلبند، پیروی کنید که آنها هدایت شدگانند.
 (۴۳) سوره کهف / آیه ۱۷: آن که خداوند هدایت کرد، پس او هدایت شد و آن که گمراه شد، پس ولی مرشد نداشت.
 (۴۴) سوره بقره / آیه ۱۱۵: به هر که نگاه کند، وجه (صورت) خدا را ببیند.
 (۴۵) حضرت حاج ملاسلطانمحمد سلطانعلیشاه گنابادی / مجمع السعادت / انتشارات حقیقت / ۱۳۷۹ / باب چهارم / فصل پنجم / صفحات ۲۳۲-۲۲۹.
 (۴۶) همان / باب چهارم / فصل نهم.
 (۴۷) ابن ابی الحدید معتزلی / شرح نهج البلاغه / ۱۷، ۲۲۴ / الطعن الرابع عشر / ص ۲۲۴.
 (۴۸) وسائل الشیعه / جلد ۶ / صفحه ۹۱۸۵ / تَابُ أَنْ مَنْ دَخَلَ فِي الْأَسْلَامِ طَائِعًا وَ قَرَأَ الْقُرْآنَ ظَاهِرًا فَلَهُ كُلُّ سَنَةٍ فِي بَيْتِ الْمَالِ مِائَتًا دِينَارًا / ۷۶۸۵.
 (۴۹) سوره توبه / آیه ۶۰: جز این نیست که صدقات برای فقیران و مسکینان و کارگزاران آنها و برای تالیف قلوب و آزادکردن بندگان و ورشکستگان و در راه خدا و راه ماندگان است و فریضه ای است از جانب خدا.
 (۵۰) سوره انفال / آیه ۴۱: بدانید که هرگاه چیزی غنیمت یافتید، خمس آن از آن خدا و رسول و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است.
 (۵۱) در باب این موضوع به تفصیل در بیدآباد و هر سینی (۱۳۸۳) صحبت شده است.
 (۵۲) سوره انفال / آیه ۴۱.
 (۵۳) وسائل الشیعه / جلد ۱۲ / صفحه ۳۳.
 (۵۴) در این موضوع مفصلاً در بیدآباد، بیژن و هر سینی، عبدالرضا (۱۳۸۲) نرخ و پایه مالیاتی در مالیه

برگه اشتراک

تاریخ

نام و نام خانوادگی مشترک:
 سن: تحصیلات: شغل:
 شماره های درخواستی: از شماره تا شماره
 نشانی پستی:
 شماره تلفن تماس:

مشترک گرامی

* هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۲۴۰۰۰ ریال و برای یک سال ۴۸۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱+۲ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸